

ریشه‌شناسی و دانش ساخت‌واژه و تأثیر آن بر یادگیری و توسعه واژگان زبان انگلیسی*

فیروزه قندهاری

مربی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۲/۱۱/۲۶

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۳/۲

چکیده

دانش زبانی در زمینه ساختار و ریشه‌شناسی واژه، واجد تمامی ویژگی‌هایی است که روان‌شناسان آموزش از آن به عنوان «فراگیری معنادار» یاد کرده‌اند. علاوه بر این، در محدوده فراگیری زبان خارجی؛ محققان به دنبال یافتن بهترین شیوه تدریس برای این گروه از فراگیران اند. بر این اساس، پژوهشی بر روی گروهی از دانش‌جویان دانشگاه تهران که در یک نیم‌سال، درس زبان عمومی انگلیسی را می‌گذراندند، انجام شد و با اعمال شیوه‌های آمار و نمرات دانشجویان، این نتیجه به دست آمد که یک آموزش معنادار در زمینه تجزیه و تحلیل واژه می‌تواند کمک شایانی به یادگیری و افزایش واژگان دانشجویان در وهله اول و بالا بردن دانش دستوری آن‌ها در مرحله بعدی باشد.

واژه‌های کلیدی: واژگان، ریشه‌شناسی، ساخت‌واژه، اشتقاق، تصریف

* مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان: «تأثیر آموزش ریشه‌شناسی و دانش ساخت واژه در یادگیری و افزایش واژگان دانشجویان غیر رشته زبان انگلیسی» به شماره ۳۶۳/۱/۴۸۷ که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام گرفته است.

مقدمه

تجربه در آموزش زبان دوم نشان داده است که یکی از مشکلات دانشجویان در فرایند فراگیری زبان، یادگیری، حفظ و بازیابی واژگان آن زبان است. این در حالی است که آگاهی هر چه بیشتر از واژه‌های یک زبان، به همراه درک معانی و کاربردهای آن، از عوامل اولیهٔ بالا بردن مهارت‌های زبانی است. یکی از راهبردهای پیشنهادی برای فراگیری بهتر واژه‌ها، رویکرد دانش ریشه‌شناسی و ساخت‌واژه است. در این پژوهش سعی شده است تا میزان تأثیر آموزش ریشه‌شناسی و تحلیل ساخت‌واژه بر یادگیری و افزایش واژگان و توانایی دستوری دانشجویانی که انگلیسی زبان دوم آن‌هاست، بررسی شود، بنابراین ابتدا مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، و نیز فرایندهای واژه‌سازی مورد بررسی قرار گرفته و سپس روش کار؛ تجزیه و تحلیل داده‌ها و سرانجام، نتایج حاصل از این پژوهش به همراه منابع مورد استفاده، ارائه شده‌اند. در این پژوهش، سعی شده است که پرسش‌های زیرمورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

۱- آیا رابطه‌ای میان آموزش ریشه‌شناسی و تحلیل ساخت واژه در فراگیری؛ حفظ و بازیابی واژگان زبان انگلیسی برای دانشجویانی که رشته تحصیلی‌شان غیرزبان انگلیسی، است وجود دارد؟

۲- آیا این آموزش به توانایی آن‌ها در درک بهتر مباحث دستوری، بخصوص ساخت‌واژه‌های تصریفی (Inflectional morphology) و اشتقاقی (Derivational morphology) یاری می‌دهد؟

بحث و بررسی

واژگان نقش عمده‌ای در ساختار زبان دارند. در سال‌های اخیر، علیرغم توجه کمتری که پژوهشگران به رویکرد واژه و تأثیر آن در کسب مهارت‌های زبانی نشان داده‌اند، عده‌ای از پژوهشگران زبان، به خصوص زبان‌شناسان شناخت‌گرا (Cognitivists) و نقش‌گرا (Functionalists)، نظریه‌ها و روش‌هایی را برای آموزش بهتر ارائه کرده‌اند. در این زمینه، گروهی خواندن زیاد متون گوناگون را از راه‌های مؤثر فراگیری واژگان و کسب مهارت در فهم مطلب می‌دانند اما گروهی دیگر، در معرض واژه قرار گرفتن مکرر زبان‌آموزان را، تا آن

زمان که واژه در ذهن آنان کاملاً جایگزین شود، شیوه مناسب تشخیص داده‌اند و این در حالی است که روانشناسان شناخت‌گرا به این موضوع معتقدند که میزان مواجهه زبان‌آموز با واژه، چندان مهم نیست، بلکه آنچه مهم است، این است که این برخورد تا چه حد عمیق باشد (لین ۱۹۹۳). رایدر و گریوز Ryder and Graves (۱۹۹۴) تجزیه و تحلیل صرفی را از راه‌های یادگیری واژه عنوان می‌کنند، موضوع مورد بحث آن‌ها شیوه خواندن کتاب‌های درسی است و این‌که چگونه باید برای دانشجویان ضمن آموزش کلید واژه‌های یک متن، فهرستی از ریشه‌ها و وندهای متداول را تهیه کرد و در اختیار آنان قرار داد تا با فراگیری آن‌ها دایره واژگانشان به طور مؤثری افزایش بیابد.

دانستن معانی وندها و ریشه‌ها می‌تواند از دو جهت مفید باشد، یکی هنگامی است که شخص در فرایند خواندن به واژه جدیدی برمی‌خورد، تلاش می‌کند تا معنی واژه را حدس بزند. این عمل، با توجه به دانش او در زمینه معانی وندها و ریشه‌ها، باعث می‌شود تا وی حدس قریب به یقین ارائه دهد و در نتیجه کمتر نیازمند مراجعه به فرهنگ‌های زبان می‌شود، دوم آن‌که یادگیری واژه از این طریق، برای جایگزینی و ذخیره‌سازی آن در ذهن، کمک مؤثری است. فرید (۱۹۸۵). یادگیری معانی واژه‌های انگلیسی و کاربرد آن‌ها هنگامی آسان و لذتبخش است که زبان‌آموز ساختار بسیاری از واژه‌های انگلیسی را درک کند که اساس این کار، فراگیری ریشه‌ها و وندهاست. (انگلین، ۱۹۹۳، ص ۵۸). این دو پژوهشگر، نظر خود را در باره این موضوع این‌گونه بیان می‌کنند که به کمک ریشه‌ها و وندهای آشنا، می‌توان به استنباط معانی واژه‌های ناآشنا پرداخت که این کار برای افزایش واژگان و کسب مهارت خواندن و درک مطلب کمک مفیدی است.

در دهه‌های هفتاد و هشتاد قرن بیستم، زبان‌شناسان توجه خاصی به مبحث صرف/ساختواژه نشان دادند. در این میان عده‌ای به مطالعه در زمینه ساختواژه تصریفی پرداخته و پیروان مکتب چامسکی نیز به ساختواژه اشتقاقی توجه نشان دادند. تصریف و اشتقاق، دو مقوله اساسی و گسترده در فرایند واژه‌سازی‌اند. در تصریف، واژه به گونه‌ای درمی‌آید که با موازین دستوری مطابقت می‌کند، مثلاً اضافه کردن «S» در آخر یک فعل حال ساده و سوم شخص مفرد در زبان انگلیسی، نکته‌ای است تصریفی که به لحاظ دستوری لازم‌الاجرا

است. اشتقاق، بیرون آوردن لفظی از لفظ دیگر به طریقی است که در لفظ و معنی مناسب میان آن‌ها ارتباط وجود داشته باشد. در این فرایند از «وندها» استفاده می‌شود. برای مثال پسوند *-ion* فعل انگلیسی را به اسم بدل می‌کند و یا پیشوند *-dis* در اول واژه‌ای، ممکن است به آن معنای متضاد بدهد. بنابراین اشتقاق باعث تحولات معنایی و ساختاری در واژه می‌شود. کاتامبا (۱۹۹۷).

انگیزه اصلی بررسی نقش ساختواژه در این است که حدود ۶۰٪ واژه‌های جدید، واژه‌هایی‌اند با ساختار درونی مشخص که اغلب اشتقاقی‌اند، یعنی دارای یک اصل با وندهایی‌اند که به آن افزوده می‌شوند. شناخت عناصر اشتقاقی کمک مؤثری است در درک معانی واژه‌های ناآشنا. یکی از فرایندهای بسیار مؤثر در ساخت واژه‌های جدید، اشتقاق است که مشتق شدن واژه‌ای از واژه دیگر، فرایندی زبان‌شناختی است که در طول تاریخ زبان بارها اتفاق افتاده است. جکسون (۱۹۹۳).

در سال‌های اخیر، بار دیگر توجه به مبحث ریشه‌شناسی و صرف، بخصوص از جنبه اشتقاقی، بیشتر شده است. شناخت ساختواژه اشتقاقی عامل مهمی در توسعه زبان گفتاری و نوشتاری در دوران مدرسه و بعد از آن است. (ویندسور، ۱۹۹۹، صص ۴۱۷-۴۰۷). شناخت صرفی واژه‌ها موفقیتی است در راه پیشرفت خواندن، بهبود نوشتن و افزایش واژگان. حدود ۸۰٪ واژه‌های نو با فرایند ساخت واژه، قابل بررسی‌اند. اکماجین (۱۹۹۷). رویکرد معنادار به ریشه‌شناسی، در فراگیری زبان دوم برای دانشجویان در سطح متوسطه و پیشرفته، می‌تواند باعث شناخت زبان‌شناسی عملی و نظری در حفظ و ذخیره‌سازی واژه‌ها و معانی آن‌ها شود. ریشه‌شناسی زبان انگلیسی باید در کنار فراگیری دستور و آواشناسی، جزء برنامه‌های درسی کسانی قرار گیرد که زبان انگلیسی را به عنوان زبان دوم می‌آموزند. (رابستاین، ۲۰۰۰، ص ۴۹۳) در این باره می‌گوید: یکی از راهبردهایی که به فراگیری بهتر زبان به دانشجویان کمک می‌کند، بررسی ریشه واژه‌هاست؛ هنگامی‌که ما به عنوان معلم با ریشه واژه‌ها و اصطلاحات آشنا باشیم، می‌توانیم از این دانش در راه معرفی واژه‌های جدید استفاده کنیم. آگاهی از ریشه یک واژه جدید، پلی برای رسیدن به درک بهتر معنی و مفهوم آن واژه است. ریشه‌شناسی شامل داده‌هایی است درباره چگونگی پیدایش و ساختار یک واژه، عبارت و

ریشه‌شناسی و دانش ساخت‌واژه و تأثیر آن بر یادگیری و توسعه واژگان زبان انگلیسی ۱۴۷

یا مفهوم. این داده‌ها شامل چهار بخش‌اند:

۱. اصل و بن مایه‌ها^۱ در وام‌گیری و ترجمه قرضی^۲ مانند واژه لاتینی Ominipotent؛ در انگلیسی almighty (قادر مطلق)؛ all=omni همه، mighty=potens قادر.

۲. تجزیه و تحلیل اجزاء واژگان از جنبه ساختار تشکیلاتی آن‌ها. برای مثال:

spirit و aspiration و conspire که از ریشه Spir به معنی نفس کشیدن، breathe=

prevent و invent از ریشه come=vent با پیشوندهای -pre و -in

distract و attract از ریشه draw, pull = tract با پیشوندهای -dis و -at

conscious و science از ریشه sci = know با پسوندهای صفت و اسم‌ساز -ious

و -ence

۳. تجزیه و تحلیل اجزاء واژگانی در فرایند ساخت واژه‌های ترکیبی^۳ مانند واژه ترکیبی brunch که از ترکیب دو واژه breakfast و lunch درست شده است.

۴. تجزیه و تحلیل اجزای واژگانی در روندشناختی از قبیل استعاره، اشارات تاریخی و

نحوه ساخت و گسترش آنان. مانند واژه ignite به معنی روشن کردن آتش که از ریشه agni-

ignite- نام ایزد بانوی آتش در اساطیر هندی با پسوند فعل‌ساز ite درست شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روش پژوهش

در این پژوهش، ۱۲۳ دانشجوی سال اول دختر و پسر، دوره کارشناسی روزانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران که در رشته‌های مختلف تحصیلی (تاریخ، جغرافیا، زبان و ادبیات عرب، باستانشناسی) مشغول به تحصیل بودند، مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. خصوصیت مشترک آن‌ها داشتن درس زبان انگلیسی عمومی در آن نیمسال بود. ابتدا دانشجویان دو گروه شاهد و گواه (هر گروه شامل دو کلاس) بطور اتفاقی^۴ انتخاب شدند. برای نشان دادن همسانی دو گروه فوق میانگین نمرات خام زبان انگلیسی آن‌ها در امتحان

1 - etma and cognates

2 - loan translation (calaque)

3 - blands

4 - Random

ورودی دانشگاه در نظر گرفته شد و با استفاده از رابطه همبستگی پیرسون^۱ مورد محاسبه قرار گرفت:

Table 1. Correlations (entrance exam scores)

		Exp	Control
Exp	Pearson Correlation	1.000	.827**
	Sig. (2tailed)	.	.000
	N	62	61
Control	Pearson Correlation	.827**	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	N	61	61

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed)

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود، گروه‌های شاهد و گواه از نظر دانش زبان در یک سطح قرار دارند.

گروه تجربی در طی یک ترم تحصیلی، شیوه‌های علمی تجزیه و تحلیل واژه را به منظور پی‌بردن به معنی و درک ساختار آن آموزش دیدند. ابتدا واژگان اصلی دروس کتاب درسی (Humanitis II) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس جزوات حاوی تعداد کثیری وند، ریشه، حدود معانی و نمونه‌های واژگانی، برای دانشجویان تکثیر شد و برای حصول اطمینان از یادگیری آنان، امتحانات کلاسی در چند نوبت برگزار شد. در مقابل، گروه شاهد تحت هیچ نوع آموزشی در این زمینه قرار نگرفتند. در نهایت داده‌های به‌دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در بخش بعد به آن می‌پردازیم.

نتایج و تحلیل داده‌ها

بر مبنای سئوالات مطرح شده در پژوهش، دو فرضیه^۲ صفر^۲ عنوان گردید:

1- Pearson correlation

2- null hypothesis

۱) آگاهی از دانش ساخت‌واژه کمکی به یادگیری و افزایش واژگان دانشجویان (غیررشته زبان انگلیسی) نمی‌کند.

۲) ارتباطی میان آگاهی دانشجویان از دانش ساخت‌واژه و توانش آن‌ها در شناخت ساختار دستوری واژگان وجود ندارد.

به منظور بررسی زمینه‌های فوق و پاسخگویی به سئوالات مطرح شده در پژوهش، فراگیران پس از آموزش مورد نظر، توسط آزمونی مورد آزمایش قرار گرفتند. آزمون دارای دو بخش اصلی بوده‌اند ۱- بخش واژگان، که دارای ۳۰ سوال چهارگزینه‌ای، شامل واژگان (ساخته شده از ریشه و وندها) و نیز واژگان مرکب بوده است. این بخش تأثیر دانش ساخت‌واژه بر درک حدود معنایی واژه توسط فراگیران را مورد آزمایش قرار داده است. ۲- بخش دستور نیز شامل ۱۰ سوال چهارگزینه‌ای بوده که ارتباط میان دانش ساخت‌واژه و انتخاب صحیح آن از نظر دستوری را مورد آزمایش قرار داده است. این آزمایش در دو مرحله با ویژگی مشابه و محتوای متفاوت انجام شده است، مرحله اول آن پس از شش هفته آموزش مورد نظر بوده که نتایج توسط شیوه‌های آماری توصیفی (میانگین) مورد بررسی قرار گرفت که در این جا ارائه می‌شود.

Table 2. Group Statistics

Groups	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
Total vocab control	61	32.0984	7.5646	.9686
Experimental	62	37.9677	4.5771	.5813
Total grammar control	61	9.1311	3.0082	.3852
Experimental	62	12.3710	1.9689	.2500
Total control	61	41.2295	9.6045	1.2297
Experimental	62	50.3387	5.6914	.7228

همانطوریکه در جدول مشاهده می‌شود گروه گواه از لحاظ میانگین در سطح بالاتری نسبت به گروه شاهد قرار دارد. به منظور اطمینان بیشتر، از شیوه آماری تی (T-Test) نیز استفاده شد.

Table 3. Independent Samples Test

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means		
	F	Sig	T	Df	Sig. (2-tailed)
Total vocab	10.904	.001	-5.216	121	.000
Total grammer	11.578	.001	-7.078	121	.000
Total	11.484	.001	-6.411	121	.000

براساس داده‌های مشاهده شده در جدول فوق، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده

می‌شود.

در مرحله دوم پس از ۱۵ هفته مجدداً فراگیران توسط آزمون مشابه مرحله اول مورد

آزمایش قرار گرفتند که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

Table. 4 Group Statistics

Groups		N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
Total vocab	Control	41	24.8293	6.6555	1.0394
	Experimental	47	31.6809	4.9524	.7224
Total grammer	Control	41	8.6341	2.6717	.4172
	Experimental	47	9.6383	2.4797	.3617
Total	Control	41	33.4146	8.3486	1.3038
	Experimental	47	41.6170	6.4084	.9348

جدول فوق نشانگر میانگین بهتر فراگیران گروه گواه است. برای حصول اطمینان مجدداً از شیوه آماری

تی (T-Test) استفاده شد.

Table. 5 Independent Samples Test.

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means		
	F	Sig	T	Df	Sig. (2-tailed)

	F	Sig	T	Df	Sig. (2-ailed)
Total vocab	2.206	.141	-5.521	86	.000
Total grammer	.284	.595	-1.828	86	.071
Total	2.473	.120	-5.205	86	.000

همان‌طور که آشکارا می‌بینیم، تفاوت معناداری میان دو گروه شاهد و گواه دیده می‌شود.

به این ترتیب اعمال شیوه‌های آماری فوق نشانگر میانگین بالاتر گروه گواه نسبت به گروه شاهد در هر دو زمینه مطرح شده در پژوهش بوده و فرضیه‌های صفر یک و دو رد، و به سوالات پاسخ مثبت داده شد. حاصل یافته‌های فوق تأثیر شیوه تدریس بر بهبود عملکرد دانشجویان گروه گواه را تأیید می‌کند.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل اساسی در رویکرد فراگیری زبان، داشتن دایره وسیع واژگان است. دانستن واژه‌های گوناگون و چگونگی کاربرد آنها، زبان‌آموز را در مهارت‌های زبانی توانا می‌سازد. دانشجویان اصولاً بنابر عادت و بدون اندیشه مبادرت به حفظ واژه می‌کنند، این روش که شاید در کوتاه‌مدت بتواند نیاز آنها را مرتفع سازد، در درازمدت آنها را دچار مشکلاتی می‌کند زیرا با اضافه شدن کثرت واژه‌ها، جا دادن آنها در ذهن و بازیابی آن کار دشواری می‌شود. از سوی دیگر، مراجعه مکرر به فرهنگ‌نامه‌ها ضمن کاهش لذت و سرعت در فرایند یادگیری، باعث از هم گسیختگی مطلب در ذهن آنها می‌شود.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داده که یک آموزش معنادار در زمینه تجزیه و تحلیل واژه، می‌تواند کمک شایانی به یادگیری و افزایش واژگان دانشجویان در وهله اول و بالا بردن دانش دستوری آنها در مرحله بعد باشد. بر اساس نتایج حاصله پیشنهاد می‌شود روش فوق با یک برنامه‌ریزی منظم و منسجم در برنامه آموزشی دانشجویان دانشگاه‌ها (اعم از رشته‌های مرتبط با زبان انگلیسی و غیره) قرار گیرد تا ضمن ایجاد شوق و انگیزه بیشتر آنها را به سوی یادگیری عمیق‌تر و بسط و گسترش مهارت‌های زبانی سوق دهد.

منابع

- ۱- رضایی باغ بیدی، حسن، *واژه‌شناسی و ریشه‌شناسی زبان انگلیسی*، انتشارات مقتدای همدانی، ۱۳۷۷.
- ۲- صفار مقدم، احمد، *وندهای رایج در زبان انگلیسی*، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- 3- Akmajian, A., *Linguistics, An Introduction to Language and Communication* (4th ed.), the MIT Press, Cambridge 1997.
- 4- Anglin, J., *Vocabulary development: A morphological analysis*, monographs of the society for research in child development, 1993 (10, serial No.238)
- 5- Carlisle, J., & Nomanbloy, D., *Phonological and Morphological Awareness in First Graders, Applied psycholinguistics*, 1993.
- 6- Celce, M. M., *Teaching English as a Second or Foreign Language*, Cambridge, 1996.
- 7- Clausing, S., *A New Approach to the Use of Etymological Dictionary in Teaching*, 1987.
- 8- Farid, F., *A Vocabulary Workbook: prefixes, roots and suffixes for ESL students*, New Jersey: prentice Hall, Inc, 1985.
- 9- Ilson, R., *Etymological Information: can it help our students?* ELT Journal 37-82, 1983.
- 10- Jackson, H., *Words and Their Meaning*, Singapore, Longman, 1993.
- 11- Katamba, F., *English Words*, London: Routledge, 1997.
- 12- Lester, T., *Worries about Words*, Academic Search Elite, 1996.
- 13- Linn, M.D., and Cleary, L. M., *Linguistics for Teachers*, Singapore: Mc Graw Hill, Inc, 1993.
- 14- Manning, M., *Vocabulary: Study and Teaching*, Pre k-8, Vol.29 Issue 4P103, 1999.
- 15- Manzo, A. W., and Sher. J. K.Z, *Some Generalization and Strategies for Guiding Vocabulary Learning*, *Journal of Reading Behavior*, 1971-72.

- 16- Meara, P., *Vocabulary Acquisition: A neglected aspect of language learning*, language, teaching and linguistics: 13(4), 1980.
- 17- Pierson, H. D., *Using Etymology in the Classroom*, ELT Journal, 43, 1989.
- 18- Rekrut, M. D., *Vocabulary: Study & Teaching* (secondary), the United States, Highschool Journal, Oct/Nov. 96, Vol. 80 Issue 1.
- 19- Ryder, R. J. F., Coraves, M. F. K., *Reading and learning in content Areas*, Newyork; Merrill, 1994.
- 20- Rubenstein, R. N., *Mathematics: Study & Teaching (secondary); Mathematics Teaching in the Middle School*, 1999.
- 21- Windsor, J., "Children's Comprehension and Production of Derivational Suffixes," *Journal of Speech and Hearing Research*, 37, 1994.
- 22- Yonkey, R.C., *Study Skills for Student of English as a Second Language*, NewYork: Mc Grow-Hill, 1970.
- 23- Yougiouklis, P.K., *Lexical Decompositions as a strategy for Guessing Unknown Words: User's competence and confidence*, paper presented at the meeting of the World Congress of Applied Linguistics. Saloniski, Greece, 1990.